صبح پنجشنبه نزاع منجر به قتل در حوالی میدان معراج مشهد بازسازی شد

دوئل مرگ‌بار دهه هشتادی‌ها



عکس: محسن بخشنده | شهرآرا

محمدجواد ابوعطا

گزارش

دقیقا نیمه تابستان امسال بود که دو جوان دهه هشتادی هر دو با چاقوهای از قلاف بیرون کشیده، رودرروی همدیگر قرار گرفتند. هرکدام از این افراد در این دوئل شبانه فقط یک ضربه به‌گردن دیگری وارد کرد که براثر همین ضربات یکی از آن‌ها از ناحیه گلو مصدوم شد و دیگری بر اثر شدت جراحات، جان باخت. صبح پنجشنبه با دستور قاضی وحید خاکشور، بازپرس جنایی، متهم به همراه فرد دیگری که خودش را قاتل معرفی کرده بود، در حضور شاهدان به محل جرم منتقل شدند و صحنه قتل «امیرمهدی. م» را بازسازی کردند.

در ابتدای این صحنه مقام قضایی اتهام را تفهیم کرد و از «تیمور. ص» معروف به «حسام» متولد ۱۳۸۴، خواست تا آنچه را در زمان وقوع قتل در بوستان خطی حاشیه میدان معراج رخ داده بود، بازسازی کند.

آن شب چه اتفاقی افتاد؟

ساعت هفت ونیم شب بود که «رحمت»، پسرعمه ام، با من تماس گرفت و دنبالم آمد. ما با پراید رحمت آمدیم اینجا و پیاده شدیم. اینجا (محل درگیری)، روی سکو نشسته بودیم و سرم توی گوشی ام بود. داشتم کلیپ نگاه می‌کردم، آن خدابیامرز اینجا (اشاره به سکوی مقابل) نشسته بود. رفقایش داشتند او را مسخره می‌کردند و به او می خندیدند. آن ها مشروب خورده بودند و امیرمهدی حالش خوب نبود. من سرم توی گوشی بود و داشتم به‌کلیپ های توی گوشی ام می خندیدم که ناگهان آن مرحوم آمد جلو و توی گوشم زد و پرسید: چرا به من می خندی؟ گفتم من به تو نمی خندم، به‌کلیپ توی گوشی می خندم. گفت نه، داری به من می خندی. رحمت، پسرعمه ام، توی چمن ها دراز کشیده بود، بلند شد، جلو آمد وگفت چیه؟ برای چی سروصدا می‌کنی؟ رحمت او را هُل داد که ناگهان به دست رحمت چاقو زد. پسرعمه ام به سمت ماشین دوید و چوبی از کنار صندلی راننده برداشت. رحمت دو تا چوب زد توی سرش که دوستان مرحوم چوب را از او گرفتند. من به سمت ماشین دویدم و از بغل در، یک چاقو برداشتم. همین که برگشتم، دیدم امیرمهدی روبه رویم ایستاده است. هُلش دادم که آمد توی خیابان. هر دو پشت ماشین بودیم و کلنگی چاقو را زد به‌گردن من که چاقو درگردنم گیر کرد. من داشتم می افتادم، دستم آن قدر حس نداشت که ضربه بزنم. دیگر یادم نمی آید که چاقویی به او زده ام یا نه؛ ولی چاقو در دست راستم بود. من افتادم روی زمین و توی ماشین بیهوش شدم.

توی صحنه چه کسی با مرحوم درگیر شد؟

رحمت بود، علیرضا (برادر رحمت) آمد و هُلش داد. من هم چاقو خوردم و رحمت چاقو را ازگردنم بیرون کشید.

از کجا می دانستی درون خودرو چاقو است؟

داشتم توی ماشین می‌گشتم که چاقو را دیدم.

دنبال چه می گشتی؟

دنبال یک چیزی می‌گشتم تا از خودمان دفاع کنیم، به خاطر اینکه رحمت را با چاقو زده بود.

می دانستی درون خودرو چاقو هست؟

بله، از قبل دیده بودم.

چرا رحمت چاقو را برنداشت؟

نمی دانم، رحمت اول به ماشین رسید و چوب را برداشت.

چرا همان موقع به جای برداشتن چاقو، صحنه را ترک نکردید؟

نمی دانم، اشتباه کردم.

اگر صحنه را ترک می کردی، نتیجه بهتری نمی گرفتی؟

همین طور است.

پس می توانستی محل را ترک کنی؟

بله.

قبلش چیزی مصرف کرده بودی؟

نه، تازه از سرکار تعطیل شده بودم.

شاهد اول نزاع مرگ‌بار

بعد از اظهارات متهم، نوبت به اظهارات شاهدان رسید. «رحمت. پ» متولد ۱۳۸۱ به عنوان یکی از شاهدان دربرابر قاضی خاکشور قرار گرفت و به سؤالات مقام قضایی پاسخ داد.

آن شب چرا اینجا آمدید؟

ساعت ۸ بود که با ماشین خودم آمدیم اینجا؛ حسام زنگ زد. همین جا (اشاره به یک سکو) نشسته بودیم. امیرمهدی (مقتول) هم اینجا (اشاره به سکوی مقابل) نشسته بود، رفقایش هم بودند.

آن ها را می شناختید؟

آن ها هر شب می آمدند و در این پارک می نشستند. اتفاقا من آمدم توی سبزه ها درازکشیدم که امیرمهدی آمد و سرش را روی پایم گذاشت و چند جمله به شوخی هم گفت. ما از بچگی در محله مادربزرگم با هم بزرگ شده بودیم و برای همین می شناختمش. چهار پنج دقیقه اینجا بودم و بعد از آن ها دور شدم تا با گوشی ام صحبت کنم. وقتی متوجه سر و صدا شدم، برگشتم و دیدم امیرمهدی با چاقویی که توی دستش بود، وسط پارک ایستاده است. حسام نیز کنار ماشین بود. پرسیدم چی شده که مرحوم گفت با حسام دعوا کرده است. گفتم این پسردایی ام است، بی خیال شو. گفت نه، من چنین و چنان می‌کنم. به دوستانش گفتم این را نگه دارید، چاقو دستش بود و ترسیدم جلو بروم. به حسام گفتم بشین توی ماشین برویم که مرحوم به حسام حمله کرد. جدایشان کردند و دوستانش گفتند بروید؛ اما امیرمهدی خودش را خلاص کرد و به سمت ما آمد و با هم درگیر شدند، به هم چاقو زدند که مرحوم کنار پیاده رو افتاد و حسام را به بیمارستان رساندیم.

چاقو مال چه کسی بود؟

چاقوی خود حسام بود که از سمت شاگرد برداشت.

چرا چاقو در خانه شما کشف شد؟

یک چاقو دست حسام بود و یکی هم توی گلویش گیر کرده بود که هر دو توی ماشین من بود. فردای آن روز که حسام به هوش آمد، به او گفتم امیرمهدی رازده ای و حالش خراب است. بعد هم رفتم پلیس آگاهی و چاقو را از خانه برداشتیم و تحویل دادیم.

ضربه اول را چه کسی زد؟

من نفهمیدم؛ چون در صدم ثانیه رخ داد و هر دو، هم زمان زدند.

اظهارات شاهد دوم

در ادامه، بازپرس جنایی از «علیرضا. پ»، برادر رحمت و پسرعمه متهم به قتل، خواست تا آنچه را آن شب دیده است، بیان کند که این فرد گفت: من اینجا نشسته بودم (اشاره به سکو)، رحمت با حسام آمد و ماشین را پارک کرد. اینجا نشسته بودند که گوشی رحمت زنگ خورد و رفت صحبت کند، آن خدابیامرز هم مست بود. دو تا دختر هم کمی دورتر نشسته بودند که امیرمهدی اول رفت سراغ آن ها و درگیر شد. بعد آمد اینجا، هی دنبال دعوا می‌گشت که آمد اینجا نشست. حسام این طرف نشسته بود و داشت توی گوشی کلیپ نگاه می‌کرد و می خندید که با مشت زد به سرش و حسام هم زد توی گوشش و بلند شدند.

مرحوم چاقو را کی برداشت؟

از اول سلاح سرد دستش بود. یقه به یقه شدند و آمدند توی خیابان، رفتم جدایشان کنم، دیدم خدا بیامرز می خواهد من را هم بزند. رحمت رفت جدا کند که آمد عقب. بعد حسام دید که او با چاقو جلو آمده است. دوید سمت ماشین و چاقوی خودش را برداشت و آمد هی به سمت هم حمله می‌کردند و در هوا ضربه می زدند، یک صحنه مرحوم کارد را زد به‌گلوی حسام؛ حسام نیز به او ضربه زد. خدابیامرز افتاد اینجا، چاقو توی گلویش بود که رحمت کشید. وقتی رسیدیم بیمارستان، رحمت گفت گوشی ام نیست و برگشت و بیست دقیقه بعد آمد.

وقتی مرحوم چاقو خورد، چه اتفاقی افتاد؟

کارد خورد توی گردنش و افتاد و از گردنش خون می آمد و با رحمت آمدیم و حسام را بردیم بیمارستان.

ماجرای قاتل تقلبی چه بود؟

در پیگیری این پرونده فردی دیگر با مراجعه به‌کلانتری معراج مشهد خودش را قاتل مرحوم «امیرمهدی. م» معرفی کرد. با دستگیری این فرد که «یاسر. ن» نام داشت، در مراحل بازجویی های تخصصی مشخص شد که او دوست متهم به قتل است و می خواسته به دوستش کمک کند. این فرد نیز به سؤالات قاضی خاکشور پاسخ داد.

چه شد که وارد این پرونده شدی؟

به خاطر پدر و مادرم آمدم این حرف را زدم.

یعنی چه که به خاطر پدر و مادرت آمدی؟

پدر و مادرم از هم جدا شده اند. من شش ماهه بودم که طلاق گرفتند. بعد پدرم رفت زن دیگری گرفت و حالا سه فرزند دارد و وضع مالی اش هم بد نیست. من خیلی جاها برای کار رفتم و خیلی سختی کشیده ام. مادرم رفته بود کرمان وگفتم چه‌کارکنم که گفت بیا کهنوج. ۱۰ روز آنجا بودم. وقتی برگشتم، رفتم مغازه عموی حسام خریدکردم. شاگردش داشت با یکی صحبت می‌کرد در مورد حسام که دعوا کرده و حسام یک چاقو زده و آن طرف هم یک چاقو زده است. پرسیدم چه شده است؟ گفت حسام یک نفر را کشته است. از روی حرف های این ها من فکر کردم و با خودم گفتم من می روم و می‌گویم من هم یک چاقو زده ام تا هم حسام را کمک کنم و هم خانواده ام به من اهمیت بدهند و برای همین آمدم و این حرف را زدم.

پانزدهم مرداد کجا بودی؟

من کرمان بودم، اصلا نمی دانم کی دعوا شده است. بعد که شنیدم، آمدم کلانتری معراج وگفتم من آدم کشته ام. من خسته شده بودم و پدر و مادرم هرکدام به فکر خودشان هستند. برای همین آمدم این کار را کردم تا شاید من را هم ببینند.

حادثه داغ

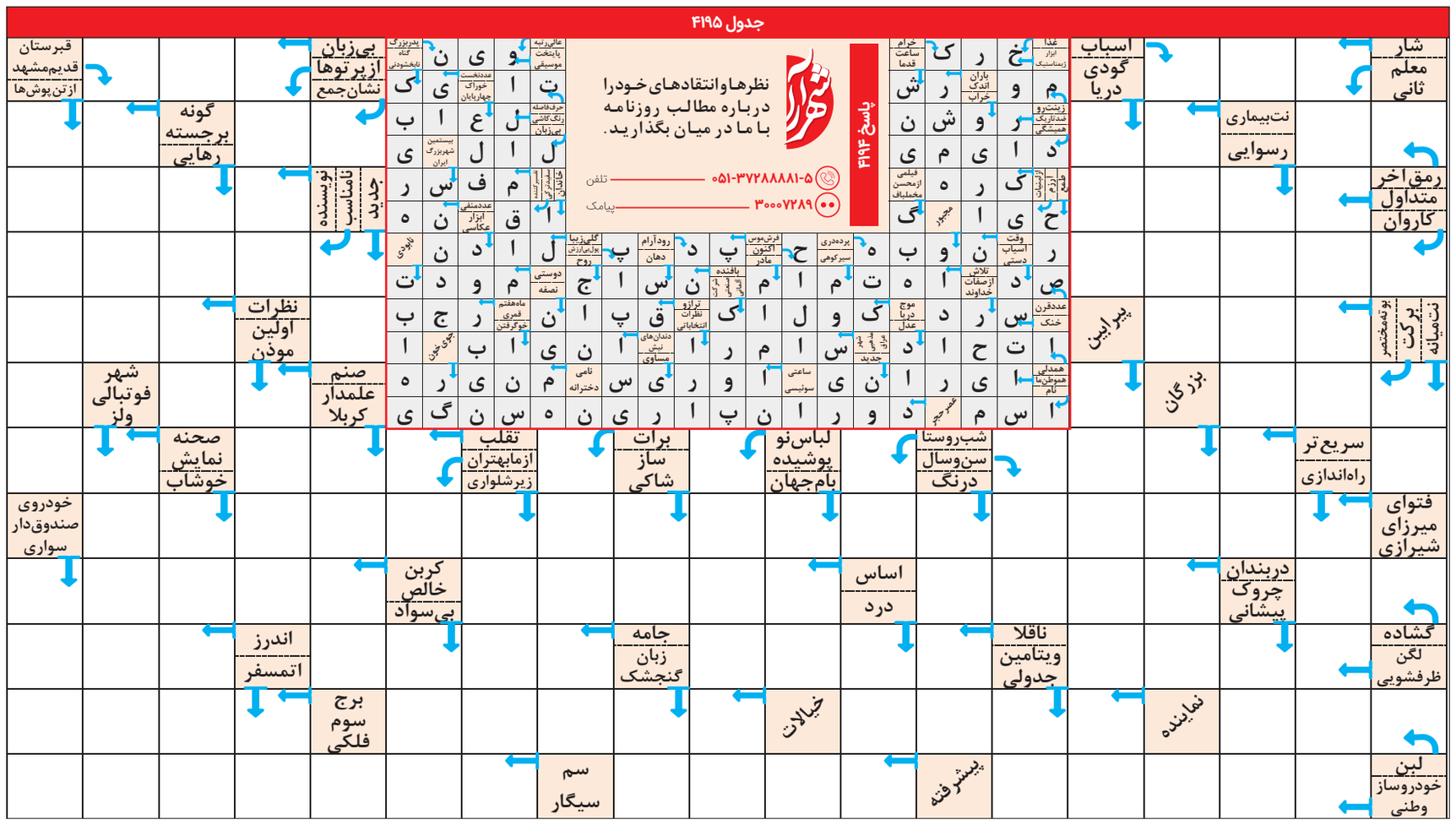
مرزبانان، دزدان را از پنبه‌زار بیرون کشیدند

جلائیان| بارنامه تریلی افغانستانی که از مرز تایباد وارد کشور مان شده بود، با باری که حمل می‌کرد، مطابقت داشت و هیچ مورد مشکوکی در ظاهر وجود نداشت. با این حال، مرزبانان هنگ مرزی تایباد از ظاهر، عجله و استرس راننده افغانستانی این تریلی به او مظنون شدند و حدس زدند که در این خودروی سنگین باید دنبال بار ممنوعه‌ای باشند؛ موضوعی که باعث شد این وسیله نقلیه سنگین، به حاشیه جاده منتقل و دوباره با دقت مورد بازرسی قرار بگیرد. مرزبانان هنگ مرزی تایباد یک بار دیگر این تریلی را مورد تجسس قرار دادند و در جریان این بازرسی متوجه جاسازی ماهرانه در زیرگاری تریلی شدند. مرزبانان پس از بازکردن این جاساز چندکیلوگرم موادمخدر از نوع تریاک کشف وضبط کردند.

هم‌زمان با کشف مواد در تایباد، مرزبانان هنگ مرزی سرخس نیز در پست و کنترل مرزی گمرک موفق به کشف یک محموله کالای قاچاق از یک تبعه کشور ترکمنستان شدند. مرزبانان این هنگ در حین کنترل مسافرانی که قصد خروج از کشورمان و ورود به ترکمنستان را داشتند، به یک تبعه این کشور مشکوک و در بازرسی از وسایلی که او به‌همراه داشت، ۲ هزار نخ سیگار قاچاق به ارزش ۶۱ میلیون و ۵۰۰ هزار ریال کشف وضبط کردند.

علاوه بر کشف موادمخدر در هنگ مرزی سرخس، یکی از گشت های مرزبانی سرخس، در حالی‌که مشغول گشت زنی در حوزه استحفاظی خود بود، دو مرد غریبه را دیدکه در یک مزرعه مشغول برداشت پنبه هستند. مرزبانان که اشراف کاملی به این منطقه داشتند و صاحب این مزرعه را می‌شناختند، به حضور آن ها مشکوک شدند و در حاشیه این مزرعه توقف کردند. این دو مرد که با مشاهده مرزبانان، پا به فرار گذاشتند، توسط مرزبانان محاصره و دستگیر شدند. از وسایل این دو متهم پنجاه‌کیلوگرم پنبه کشف شد. دو متهم پس از انتقال به مرزبانی در بازجویی به چند فقره سرقت دیگر اعتراف کردند. مرزبانان در بازرسی از منزل متهمان اقلام سرقتی دیگری کشف کردند و آن ها را به دادسرا تحویل دادند و پنبه های سرقتی به صاحب زمین بازگردانده شد.

جدول ۴۱۹۵



صدای مشاور

ستون صدای مشاور جایی برای بیان پرسش‌ها و مشکلات حقوقی شما شهروندان است که می‌توانید آن‌ها را با ما در میان بگذارید و پاسخ پرسش‌های حقوقی خود را از قضات دادگستری، وکلا و کارشناسان حقوقی دریافت کنید.

پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹
تلفن: ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵

همه‌چیز درباره صدور چک و دردسرهای پس از آن

چک‌هایی که پول نمی‌شوند

جلائیان| اولین قوانین مربوط به چک در سال ۱۳۱۱ و به‌ویژه خرداد سال ۱۳۴۴ در ایران به تصویب مجلس وقت رسیده است. با وجود این، شواهد به‌دست‌آمده از الواح کشف شده در دوران هخامنشیان و ساسانیان نشان می دهد که هزاران سال قبل در کشورمان مراکزی مانند بانک‌های امروزی وجود داشته که امورات بانکی از قبیل قرضه، برات، چک و... در آنجا صورت می‌گرفته است؛ حتی کارمندان با الواح کوچکی که کارکرد چک‌های امروزی را داشتند، حقوق دریافت می‌کردند. با این تاریخچه غنی معاملات، امروز وضعیت چک و چک بازی ایرانیان چندان مناسب نیست و پرونده‌های حقوقی و کیفری بسیاری در دادگاه‌ها شکل گرفته است و افرادی به‌واسطه دریافت صدور چک بی‌محل گرفتار شده‌اند، بسیاری به‌واسطه یک امضای ساده در پشت چک مجبور به پرداخت مبالغ سنگینی شده‌اند و همه این‌ها موجب شد تا سارا دولتیان، وکیل پایه یک دادگستری، به سؤالاتی در خصوص چک پاسخ بدهد.

چطور می‌توان مطمئن شد که چک دریافتی از افراد (مشتری)، بی‌محل نیست؟

امروز با وجود چک‌های صیادی اعتماد جامعه به امور بانکی و افراد صادرکننده چک، افزایش یافته و پرونده‌های وارده به مراجع قضایی، کاهش چشمگیری یافته است. همچنین بانک مرکزی به‌منظور جلوگیری از کلاهبرداری و سوءاستفاده افراد سودجو در معاملاتی که با استفاده از دسته چک انجام می‌شود، اقدام به طراحی و ارائه سامانه استعلام دسته چک‌ها و اعتبارسنجی دارندگان چک کرده است. برای استفاده از این سامانه هامتقاضیان می‌توانند برای دریافت استعلام چک و اعتبارسنجی دارندگان دسته چک از سه روش استفاده کنند. نخست استعلام از طریق پیامک، کد دستوری و نصب اپلیکیشن سامانه ساد۲۴ که در هیچ‌کدام از این روش‌ها کد ملی استعلام‌کننده نیاز نیست. البته به نظر بنده ساده‌ترین راه این است که دریافت‌کننده چک تنها کد شانزده‌رقمی درج‌شده روی چک صیادی را به سرشماره ۷۰۱۷۰۱ ارسال کند. بعد از ارسال این کد، نتیجه استعلام و وضعیت دارنده حساب از طریق پیامک اعلام می‌شود.

در یک معامله، خریدار در ازای کالا به من یک برگ چک داده که حالا متوجه شدم این چک سرقتی بوده است. برای رسیدن به پولم باید چه کنم و آیا اینکه چک سرقتی در اختیار من است، جرم است یا نه؟

سرقت چک هم مانند سایر سرقت‌ها، جرم است و فردی که اقدام به این کار کند، به حبس محکوم خواهد شد. دارنده دسته چک اگر برگ یا تعدادی از برگه‌های دسته چکش را گم کند یا از او سرقت کنند، باید پیش از هر اقدامی این موضوع را به بانک و دادسرا اعلام کند. بانک پس از احراز هویت شما، از نقدکردن چک تا تعیین تکلیف آن در مرجع رسیدگی اجتناب خواهد کرد. نکته مثبت دیگر که در حوزه سرقت یا مفقودی چک ایجاد شده است، دارندگان چک می‌توانند در صورت سرقت یا مفقودی، آن را در سامانه ساد۲۴ ثبت کنند تا سارق نتواند اقدام به نقل‌وانتقال چک سرقتی به دیگران کند.

مشتری من به‌دلیل بروز اختلاف، من را تهدید کرده که چکش را پاس نمی‌کند. آیا این تهدید محسوب می‌شود و آیا من می‌توانم پیش از برگشت‌خوردن چک، به لحاظ حقوقی از این اقدام پیشگیری کنم؟

از نگاه قانون مجازات اسلامی، این امر تهدید به حساب نمی‌آید و جرمی صورت نگرفته است که مشمول مجازات شود. در هر صورت تا زمان سررسید و موعد وصول چک، ما هیچ حقی برای اقدام حقوقی نداریم. در صورتی که سپرده کافی در حساب نباشد، صدور چک بلامحل مجازات کیفری و حبس دارد. در این صورت طبق قانون می‌توان از صادرکننده چک شکایت کیفری ثبت کرد. موضوع دیگری که باید به آن توجه داشت، مسئله زمان چک است؛ در صورتی که دارنده چک تا شش ماه از تاریخ صدور چک برای وصول آن به بانک مراجعه نکند یا ظرف شش ماه از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت شکایت نکند، دیگر حق شکایت کیفری از صاحب حساب ممکن نیست.

من پشت چک فرد دیگری را برای ضمانت امضا کرده‌ام، اما این فرد دیگر پاسخم را نمی‌دهد. اگر مبلغ را پرداخت نکند، من باید آن را بپردازم؟

در سند تجاری چک، ما سه نوع امضا داریم. امضای اول روی چک است و دو نوع دیگر در پشت و به اصطلاح رایج در ظهر چک به ثبت می‌رسد. امضایی که صادرکننده بر روی چک می‌زند، به چک اعتبار می‌بخشد و دو امضای دیگر به هدف انتقال چک یا به هدف ضمانت زده می‌شوند. این امضا معمولا به این خاطر زده می‌شود که دارنده چک به صادرکننده‌اش اعتماد لازم را ندارد یا به دلایل مختلف دیگر این فرد قابل اعتماد نیست. در این صورت شخص ثالثی پشت چک را به‌عنوان ضمانت امضا می‌کند. این امضا معنایش این است که اگر چک در تاریخ مقرر وصول نشد، ضامن، مسئول پرداخت وجه چک است.

دوستم از طرف من چک کشیده است و قرار بود که من جایش را پر کنم، حالا که نزدیک وصول چک است، مشکلاتی برایم پیش آمده و نمی‌توانم مبلغ چک را واریز کنم. در صورت برگشت‌خوردن، چگونه می‌توانم ثابت کنم چک متعلق به من بوده است؟

در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب اعم از شخص حقیقی یا حقوقی صادر شود، اقدامات قانونی از قبیل عدم افتتاح هرگونه حساب و صدور کارت و مسدودکردن وجوه همه حساب‌ها و کارت‌های بانکی جدید و.... علاوه بر صاحب حساب، در مورد وکیل یا نماینده نیز اعمال می‌شود؛ مگر اینکه در مرجع قضایی صالح اثبات کند عدم پرداخت مستند به عمل صاحب حساب یا وکیل یا نماینده بعدی اوست.